



گفت و گو با  
سینا دل آذر  
رتبه‌ی ۹ کشور در  
رشته‌ی تجربی از  
تبریز

## رتبه‌های تکریمی، والدین تکریمی دارند

تهیه و تنظیم: غلامحسین فرشادی، آرین احمدی و داوود اکبری

### توجه داشتی؟

نه؛ توجهی نمی‌کردم. کسی که می‌خواهد در کنکور درصدهای بالای ۸۰، ۹۰ داشته باشد، بودجه‌بندی برایش اهمیتی ندارد. او نمی‌خواهد حتی یک سؤال را هم از دست بدهد. در کنکور یک سؤال هم می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

**وقتی نزدیک کنکور شد پیش خودت فکر می‌کردی که ممکن است سؤالی باشد که از دست بدهی؟**

بله؛ در درس‌هایی مثل ریاضی، فیزیک و شیمی این احساس را داشتم. من روش خاصی داشتم. اول درس را می‌خواندم بعد تست‌هایش را از کتاب آبی کانون کار می‌کردم و بار دیگر درس را دوره می‌کردم. به نظرم اگر درسی را بخوانی و بعد فقط تست بزنی، کافی نیست؛ باید بعد از تست هم یک بار دیگر درس را بخوانی تا کاملاً مسلط شوی. مثلاً درسی مثل زیست، نکات زیادی دارد و نمی‌توانیم با یک بار خواندن، همه‌ی نکات آن را یاد بگیریم.

**روش تست زدنت چگونه بود؟ سراغ تست‌های کنکور سال‌های گذشته می‌رفتی یا ترجیح می‌دادی که تست‌های تألیفی کار کنی؟**

تست‌های کنکور سال قبل را کار می‌کردم. وقتی تست‌های سال‌های قبل را چند بار کار

**دوست دارم برگردیم به سال گذشته و برای‌مان بگویی که درس‌ها را به چه نسبتی می‌خواندی؟**

من سال گذشته را به چند دوره تقسیم کردم: تابستان، شش ماه پاییز و زمستان و سه ماه بعد از عید. در تابستان به خاطر علاقه‌ای که به دروس اختصاصی داشتم، آن‌ها را خواندم. آخر تابستان که در آزمون‌های کانون شرکت کردم متوجه شدم که در دروس عمومی مشکل دارم و اگر به همین صورت پیش بروم به هدفم که قبولی در رشته‌ی پزشکی بود، نمی‌رسم. تصمیم گرفتم در مدت شش ماه مانده به عید، به درس‌های عمومی هم توجه کنم. بعد از عید هم جمع‌بندی کردم.

**گفتی به درس‌های اختصاصی بیش‌تر از عمومی علاقه داشتی؛ می‌خواهم بدانم بین درس‌های اختصاصی هم فرقی قائل بودی؟**

من به درس‌هایی مثل ریاضی، فیزیک و شیمی خیلی علاقه داشتم و آن‌ها را بیش‌تر می‌خواندم. اما وقتی درصدم در درس زیست کم می‌شد سعی می‌کردم آن را بیش‌تر بخوانم. من پزشکی را خیلی دوست داشتم و اگر امکان داشت، دوست داشتم این مسیر را از رشته‌ی ریاضی طی کنم. به هر حال امکان نداشت که در فاصله‌ی دوهفته‌ای بین آزمون‌ها درسی را اصلاً نخوانم.

**به بودجه‌بندی مباحث در کنکور**

سینا دل آذر، این جوان سخت‌کوش تبریزی اکنون دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران است و رتبه‌ی ۹ کشوری را در رشته‌ی تجربی کنکور ۹۰ به دست آورده است. سینا در ابتدای گفت‌وگو با ما چند لحظه سکوت می‌کند؛ سکوتی معنادار به یاد دبیر ریاضی پیش‌دانشگاهی‌اش که متأسفانه در اسفند ۸۹ در یک سانحه‌ی دردناک، جان به جان آفرین تسلیم کرد. سینا می‌گوید: «نام او ناصر شاه‌میر بود و یاد او مثل یک قاب عکس، در همه‌جا و همه وقت با من و روبه‌روی من است.» ما هم این چند کلمه را در ابتدای این گفت‌وگو می‌آوریم به رسم احترام به مقام معلم.

می‌شود. نگرانی بیش‌تر بچه‌ها، در مورد تمام شدن یا نشدن درس‌هاست. با عمل به برنامه‌ی راهبردی این نگرانی هم برطرف می‌شود.

## می‌خواهم در مورد تجربه‌ی شخصی‌ات راجع به مدرسه صحبت کنی.

من و یکی از دوستانم در درس ریاضی خوب بودیم. معمولاً قبل از کلاس، فصلی را که قرار بود تدریس شود خوب می‌خواندیم و تست می‌زدیم؛ بعد سر کلاس می‌رفتیم. جالب این بود که قبل از کلاس فکر می‌کردم کاملاً آماده‌ام ولی سر کلاس، نکته‌های جدیدی یاد می‌گرفتم. خیلی برایم جالب بود که معلم از دیدگاه دیگری به موضوع نگاه می‌کند و درس می‌دهد در حالی که من با دیدگاه خودم آن را یاد گرفته بودم. این که کسی برای یادگیری موضوعی دیدگاه‌های مختلفی داشته باشد، کارش راحت‌تر می‌شود.

## مهم‌ترین منابعی که در درس‌های پیش‌دانشگاهی و پایه و هم‌چنین جمع‌بندی کمکت کردند چه کتاب‌هایی بود؟

کتاب‌های آبی، ایده‌آل‌ترین کتاب است برای وقتی که می‌خواهی درس بخوانی و بعد تست بزنی. کتاب‌های جمع‌بندی پایه و پیش هم خوب بود؛ چون برحسب میزان دشواری و درصد کسانی که به آن‌ها جواب داده بودند، تنظیم شده بود. در بین همه‌ی این کتاب‌ها به کتاب اشتباهات متداول علاقه‌ی خاصی داشتیم. خیلی خوب سؤال‌ها را آنالیز می‌کرد. اشتباهات متداول به نوعی جمع‌بندی سؤالات آزمون بود و نشان می‌داد که دانش‌آموزان دیگر، چه جاهایی بیش‌تر اشتباه می‌کنند.

## این طور که به نظر می‌رسد تو کتاب اشتباهات متداول و کلاسور ارزیابی را در ارتباط با هم می‌دانی!

دقیقاً! کلاسور ارزیابی به نوعی کتاب اشتباهات من بود و کتاب اشتباهات متداول، کتاب اشتباهات دیگران.

## تو برای درس خواندن، منابع مختلفی داشتی یا به یک منبع اکتفا می‌کردی؟

تأکید اصلی من روی کتاب درسی بود. فایده‌ای ندارد که چند تا کتاب را با هم بخوانیم؛ چون بیش‌تر کتاب‌ها درست مانند کتاب درسی هستند. با این کار، وقت آدم هدر می‌رود.

## نظرت در مورد تکنیک ضربدر و منها چیست؟

این تکنیک مفید است برای وقتی که در کنکور احساس می‌کنی ممکن است وقت کم بیاوری. مثلاً در مورد درس فیزیک باید سر

را کار می‌کردم و متوجه می‌شدم که در کدام قسمت‌ها مشکل دارم. بعد همان قسمت‌ها را دوباره از کتاب درسی می‌خواندم. در درس ادبیات، مشکل اصلی، قرابت معنایی بود. برای رفع این مشکل، وقتی بیکار می‌شدم دیوان حافظ می‌خواندم. در درس ادبیات اگر کسی بتواند بی‌تی را درست بخواند می‌تواند معنی‌اش را هم خوب بفهمد. خوشبختانه در کنکور، مشکلی در زمینه‌ی قرابت معنایی نداشتم.

## چه قدر به کتاب درسی اهمیت می‌دادی؟

در مورد درس‌های عمومی، کتاب را به ترتیب صفحاتش حفظ بودم. آن قدر خوانده بودم که خط به خط کتاب را حفظ بودم. به نظرم در تک تک کلمات کتاب‌های درسی، حکمتی نهفته است.

## چه شیوه‌ای در یادگیری داشتی؟

روش من به این صورت بود که درس‌ها را فقط برای کنکور نمی‌خواندم؛ مثلاً وقتی مبحثی از درس زیست‌شناسی می‌خواندم در مورد آن فکر می‌کردم و نتیجه‌اش این بود که سؤالات زیادی برایم ایجاد می‌شد. اگر می‌خواستیم فقط برای کنکور بخوانم خودم را مجبور نمی‌کردم که روی مباحث فکر کنم و برای خودم سؤال مطرح کنم. من بیش‌تر برای یادگیری تلاش می‌کردم و مسلماً برای یادگیری باید تفکر و تحلیل کرد. مثلاً تحلیل کرد که مسائل فیزیک چه کاربردی می‌توانند داشته باشند.

## تواز دوم دبیرستان به کانون آمدی. می‌خواهم بدانم چگونه بین برنامه‌ی راهبردی و برنامه‌ریزی شخصی‌ات ارتباط برقرار می‌کردی؟

برنامه‌ریزی شخصی من منطبق با برنامه‌ی راهبردی بود. در همان دو هفته‌ی بین آزمون‌ها برنامه‌ریزی می‌کردم که چه مباحثی از کدام کتاب‌ها را بخوانم و چه تست‌هایی را کار کنم. وقتی با برنامه عمل می‌کردم دفتر برنامه‌ریزی را هم پر می‌کردم. آدم وقتی طبق برنامه‌ی راهبردی پیش می‌رود مطمئن می‌شود که در یک تاریخ مشخص چه درس‌هایی تمام

آدم وقتی طبق برنامه‌ی راهبردی پیش می‌رود مطمئن می‌شود که در یک تاریخ مشخص چه درس‌هایی تمام می‌شود. نگرانی بیش‌تر بچه‌ها، در مورد تمام شدن یا نشدن درس‌هاست. با عمل به برنامه‌ی راهبردی این نگرانی هم برطرف می‌شود.

## کنیم، ریتم سؤال‌ها دستمان می‌آید و می‌فهمیم که در کنکور، سؤال‌های عجیب و غریب نمی‌آید. جمعه پس از آزمون چه‌طور برنامه‌ریزی می‌کردی؟

روز جمعه را به چند بخش تقسیم می‌کردم. وقتی ساعت دوازده می‌رسیدم خانه، کمی استراحت می‌کردم و بعد درصدهایم را بررسی می‌کردم. سؤال‌ها را یکی یکی نگاه می‌کردم و متوجه می‌شدم که مشکلم در دو هفته‌ی قبل چه بوده است. مثلاً به این نتیجه می‌رسیدم که دو هفته‌ی گذشته نتوانسته‌ام مبحثی از شیمی را بخوانم.

## نگران این نبودی که ممکن است گاهی برنامه‌ی راهبردی با برنامه‌ی مدرسه هماهنگ نشود؟

طبیعی است که هر کس می‌تواند برای خودش برنامه‌های مختلفی داشته باشد ولی باید یکی را انتخاب کند. چندبرنامه‌ای بودن، اصلاً خوب نیست. من به برنامه‌ی راهبردی کانون اعتماد کردم وقتی دیدم کسانی که این برنامه را طراحی کرده‌اند همه با تجربه هستند. کسانی که این همه در این کار سابقه داشتند مسلماً تمام جوانب کار را سنجیده‌اند و من که برای ادامه‌ی مسیر، تجربه‌ای نداشتم، به برنامه‌ریزی کانون اعتماد کردم.

## وقتی بعد از آزمون، کارنامه‌ات را تحلیل می‌کردی، نتیجه‌ی آن را در کلاسور ارزیابی هم می‌نوشتی؟

بله؛ نوشتن کلاسور ارزیابی خیلی مهم است. شاید بچه‌ها نتوانند نتیجه‌اش را الآن ببینند اما یک ماه آخر که زمان جمع‌بندی است، بهترین منبع، همان کلاسور ارزیابی است. با ورق زدن کلاسور ارزیابی، همه‌ی درس‌ها دوره می‌شود و مباحثی که خوب نفهمیده‌ایم یا ناقص فهمیده‌ایم مشخص می‌شود.

## کدام یک از درس‌ها برایت پرچالش‌ترین درس‌ها بود؟ برای مواجهه با آن‌ها چه کار کردی؟

درس‌هایی مثل زیست‌شناسی و ادبیات، نکات زیادی دارند و هر کس برای خواندن این درس‌ها شیوه‌ای مخصوص به خودش دارد. روش من به این صورت بود که مثلاً برای یک درس ده، بیست صفحه‌ای، دست کم ۴، ۵ ساعت وقت می‌گذاشتم. این همه زمان برای این بود که در مورد هر صفحه فکر می‌کردم تا بفهمم هدف طراح کتاب درسی در مورد آن صفحه چه بوده است. دو، سه روز بعد هم تست‌های آن

## نکاتی برای مطالعه‌ی بهتر درس عربی



بهنام کریمی، رتبه‌ی ۵ زبان کشور

درس عربی یکی از درس‌های مهم در کنکور است. بعضی از دانش‌آموزان ممکن است توجه لازم را به این درس نداشته باشند. همین امر باعث افت عملکرد آن‌ها در یادگیری این درس می‌شود. دلیل آن هم این است که این دانش‌آموزان درس عربی را اصولی نمی‌خوانند و درست یاد نمی‌گیرند و این مسئله باعث سخت شدن این درس می‌شود. شناسی جواب دادن در درس عربی به خصوص در قسمت قواعد غیر ممکن است ولی اگر مبحثی به درستی آموخته شود، هر سؤالی از آن مطرح شود، قطعاً پاسخ داده خواهد شد.

در ترجمه، حفظ کردن کلمات آخر کتاب، لازم است و خواندن متن درس‌ها اگرچه لازم نیست، کمک زیادی می‌کند. مهم‌ترین کار برای تسلط بر ترجمه، تست زدن زیاد است که باعث آشنایی با انواع تله‌های تستی طراحان می‌شود و فرم‌های مختلف سؤال را به طور کامل در ذهن دانش‌آموز ثبت می‌کند.

یکی از سخت‌ترین بخش‌های عربی - البته به اعتقاد خیلی از دانش‌آموزان - مبحث اعلال است. پیشنهاد من این است که این بخش را با تکرار و تمرین زیاد یاد بگیرید. آن قدر فعل‌های مختلف را صرف کنید تا ملکه‌ی ذهن‌تان شود.

در مورد سایر بخش‌های قواعد مانند منادا، تمییز، استثناء و ... قضیه فرق می‌کند. در این موارد باید قاعده و قانون هر یک را کاملاً یاد بگیرید. کافی است تعریف صحیح هر کدام را یاد بگیرید، آن وقت تشخیص آن فوق‌العاده ساده می‌شود. روش اصولی تست زدن در درس عربی، تشخیص نقش تمامی کلمات در جمله است که این کار با کمی تمرین، بسیار ساده می‌شود.

بعد از خواندن هر مبحث، برای جا افتادن آن در ذهن، لازم است تعدادی تست مبحثی کار کنید؛ ولی سعی کنید تمام مبحث‌های درس عربی را طبق برنامه‌ی راهبردی تا عید بخوانید و سپس به حل تست‌های جامع بپردازید. تست جامع، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای یادگیری کامل درس عربی است.

اگر به این شیوه عمل کنید و نیز بتوانید بی‌دقتی و استرس کنکور را کنترل کنید، نمره‌ی بالا، دور از دسترس نیست.

جلسه‌ی کنکور هر چه در سال دوم، سوم و پیش‌خوانده‌ای به یاد بیاوری و این کار، وقت‌گیر است. من در سه آزمون جامع از این تکنیک استفاده کردم و نتیجه‌اش را هم دیدم. این تکنیک باعث می‌شود که دانش‌آموز تمام دفترچه‌ی سؤالات را نگاه کند. سؤال‌ها چه سخت، چه آسان، ارزش یکسانی دارند و ممکن است سؤال‌های آخر آسان‌تر باشند. خیلی مهم است که کسی بتواند سؤال سختی را کنار بگذارد.

### کمی از خانه و خانواده بگو. شرایط خانه چه‌طور بود؟

شرایط خانه کاملاً آرام و ایده‌آل بود. وقتی شب‌ها بیدار می‌ماندم، مادرم هم بیدار می‌ماند که من احساس تنهایی نکنم. این جمله‌ی آقای قلم‌چی خیلی جالب است: «رتبه‌های تک‌رقمی، والدین تک‌رقمی دارند.»

### رابطه‌ات با هنر و ادبیات چگونه است؟

دیوان حافظ می‌خوانم. به موسیقی علاقه دارم و کمی پیانو یاد گرفته‌ام. تصمیم دارم اگر به درس لطمه‌ای نزند آن را ادامه دهم.

### در مورد دوستی و رقابت چه تجربیاتی داری؟

به نظر من دو نوع دوستی داریم؛ یکی این‌که پای دوستت را بگیری و مانع حرکتش شوی که در این صورت نه تو موفق می‌شوی نه او و دیگر این‌که هر دو دست همدیگر را بگیرید. رابطه‌ی من و کسری کلاهدوزان خیلی خوب بود. به هم کمک می‌کردیم. واقعاً از این‌که با کسری کلاهدوزان دوست صمیمی هستم افتخار می‌کنم.

### کدام‌یک از بچه‌هایی را که با آن‌ها رقابت داشتی در دانشگاه می‌بینی؟

بیش‌تر کسانی که اسمشان در مجله‌ی آزمون بود، دوستان و هم‌کلاسی‌هایم هستند؛ مثل سیاوش مهران، محمدرضا طبری، خانم حق‌شناس، خانم امانی.

### خاطرات سال کنکور را با هم مرور می‌کنید؟

بله؛ با آقای طبری صمیمی هستم و گاهی درباره‌ی مشکلاتی که در آن سال‌ها داشتم صحبت می‌کنم.

### جایی گفته بودی که می‌خواهی دانشمند شوی. حالا

#### تصمیم بعدی‌ات چیست؟

بعد از مرحله‌ی قبولی در کنکور می‌خواهم تخصص بگیرم. تا قبل از کنکور فکر می‌کردم چه غول بزرگی است ولی حالا فهمیدم این‌طور نبود. حالا تخصص گرفتن و وارد شدن به جامعه، چالش بزرگی است که باید از پس آن بر بیایم. آدم هر چه جلوتر می‌رود، چالش‌های زندگی‌اش هم بزرگ‌تر می‌شوند.

